

# تبیین آموزش جغرافیا

الگوی برنامه درسی (طرح برنامه درسی)  
با توجه به اسناد بالادستی آموزش و پرورش

(قسمت چهارم)

● دکتر محمود معافی

دکترای برنامه‌ریزی درسی و کارشناس جغرافیا

طرح

برنامه درسی

جغرافیا با توجه به

مؤلفه‌های برنامه درسی

(اصول ناظر بر طراحی

برنامه‌های درسی و تربیتی،

رویکرد برنامه درسی فطرت‌گرایی

توحیدی و شایستگی‌های پایه).

## الف) اصول ناظر بر طراحی

### برنامه‌های درسی و تربیتی

با مطالعه اصول یازده‌گانه ناظر بر طراحی برنامه درسی و تربیتی، رویکرد کلان حاکم بر برنامه‌های درسی و تربیتی و بیانیه حوزه‌های تربیت و یادگیری، می‌توان استنباط کرد که برنامه درسی ملی به کدام یک از طرح‌های برنامه درسی و نظریه‌های برنامه درسی توجه دارد. اصول یازده‌گانه ناظر بر برنامه درسی ملی به شرح زیر است:

توجه به دین‌محوری، تقویت هویت ملی، توجه به اعتبار نقش یادگیرنده، اعتبار نقش مرجعیت معلم (مربی)، اعتبار نقش پایه‌ای خانواده، توجه به جامعیت برنامه درسی، توجه به تفاوت‌های فراگیران و تفاوت‌های محیطی، تعادل و توازن در برنامه درسی، توجه به یادگیری مادام‌العمر، جلب مشارکت و تعامل در برنامه‌ریزی و اصل یکپارچگی و فراگیری.

از این یازده اصل، دو اصل «اعتبار نقش پایه‌ای خانواده» و «جلب مشارکت و تعامل مؤثر با معلمان، دانش‌آموزان، خانواده و سایر گروه‌های ذینفع» به شرکت‌کنندگان در تدوین برنامه درسی اشاره دارد.

این دو اصل حاکی از آن است که برنامه درسی باید با تفاهم نمایندگان خانواده‌ها، معلمان، دانش‌آموزان و ذینفعان از دانشگاه (نمایندگان گروه‌های مختلف جغرافیایی)، متخصصان آموزش جغرافیا، برنامه‌ریزان درسی و سایر مطالبه‌گران از برنامه درسی در جامعه، مانند نهادهای تحقیقاتی و اجتماعی و ... طراحی و تدوین شود.

**اصل «تعادل»** به رعایت توازن در توجه به ساحت‌های مختلف تعلیم و تربیت، تدوین اهداف آموزشی و انتخاب محتوا و نیز روش‌های متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی اشاره دارد. از آنجا که برنامه‌ریزان درسی در شناخت ساحت‌های تربیت و یادگیری و مهندسی برنامه درسی تخصص دارند، به‌طور طبیعی لازم است که به‌عنوان ناخدای برنامه درسی در کلیه فرایندهای برنامه‌ریزی درسی با گروه تدوین‌کننده برنامه درسی همکاری کنند.

سه اصل «دین‌محوری»، «جامعیت» و «یادگیری مادام‌العمر» به الگوی برنامه درسی یا طرح برنامه درسی اشاره می‌کند. مقصود از الگو یا طرح برنامه درسی، انتخاب دیدگاه یا فرایند برنامه درسی از

● در سه مقاله

گذشته درباره

فلسفه آموزش

جغرافیا از منظر عقل،

دین و اسناد بالادستی

آموزش و پرورش و ارزش تربیتی

آموزش جغرافیا بحث کردیم. در این

مقاله نویسنده سعی دارد تا

خوانندگان و برنامه‌ریزان درسی

جغرافیا را با نحوه نگاه اسناد

بالادستی آموزش و پرورش به مفهوم

جغرافیا، نحوه طراحی برنامه درسی

جغرافیا به‌عنوان یک حوزه یادگیری

و عناصر برنامه درسی این درس از

منظر اسناد بالادستی

آموزش و پرورش آشنا کند.

کلیدواژه‌ها: آموزش جغرافیا، برنامه

درسی، طرح برنامه درسی، اسناد

بالادستی، آموزش و پرورش

بین طرح‌های مختلف درسی با توجه به یک سری از ارزش‌های تربیتی است. طرح‌های مختلف برنامه‌ی درسی معمولاً مبتنی بر یک یا چند دیدگاه تربیتی است. اصل دین‌محوری اشاره به این دارد که تمامی اجزا و عناصر برنامه‌ی درسی و تربیتی باید مبتنی بر مبانی توحیدی و اصول و ارزش‌های ناب محمدی (ص) و هدف‌گایی تربیت اسلامی باشد «و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» (الذاریات/۶۵). هدف از آفرینش جن و انس چیزی جز عبادت و همسویی و هماهنگی انسان با قادر متعال نیست.

اصل دین‌محوری با توجه به فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، مقدم بر سایر اصول است. این اصل در حقیقت به این نکته اشاره می‌کند که برنامه‌ی درسی مبتنی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی نه تنها نباید مغایرتی با این فلسفه داشته باشد، بلکه ضمن توجه به واقعیات عینی و مادی این جهانی در جهت شناخت و بهره‌گیری از آن، باید برای نیل به هدف والاتری که همان قرب به خداوند متعال است، تلاش کند.

اصل دین‌محوری تأکید دارد که نباید تعلیم و تربیت، تفکر انسان را در چارچوب این جهان مادی محبوس کند، بلکه باید تلاش کند فراگیر با قدرتی فزاینده به درون طبیعت و ماورای آن نفوذ کند و زمینه‌ی استعلا‌ی روحانی فرد و گشودگی و باز بودن دانش‌آموز را نسبت به عوالم هستی و بی‌نهایت فراهم کند. گشوده بودن نسبت به بی‌نهایت ملازم با گشوده بودن فکر نسبت به روحانیت انسان و پذیرا بودن این نکته است که انسان موجودی معنوی است. احساس روحانی و معنوی دلالت بر ارتباط میان جهان درون فرد با جهان‌های خارجی دارد. این کار از طریق غور باطنی و تفکر شهودی امکان‌پذیر است.

جهان یک کل یکپارچه است و عناصر آن حساب‌شده و حکیمانه در جای خود قرار داده شده است. کوه تنها یک برجستگی روی زمین نیست که ما از بزرگی آن شگفت‌زده شویم، بلکه باید به آفرینش حکیمانه آن و کارکردهای چندگانه‌اش بیندیشیم. برای مثال، مکان مرتفع برای جذب رطوبت و تعدیل دما و جریان‌ات باده‌ها، مرزی برای تفاوت‌های آب و هوایی و پوشش گیاهی، مخزنی از معادن مختلف و به تعبیر قرآن میخی برای پیوند دادن لایه‌های زمین و چسباندن زمین به ماده‌ی ماگما، سدی در برابر لرزش‌های درونی زمین و بالاخره مکان مرتفعی که کوهنورد با صعود از آن می‌خواهد فکر و روح خود را تا جاودانه‌ها بالا بکشد. از آنجا که طبیعت قطب اول در مطالعه‌ی جغرافیاست، دید کل‌گرایانه و توحیدی به جهان این پیام را می‌دهد که جهان هستی را نباید به واحدهای کوچک و جدا از هم تجزیه کنیم، بلکه به طبیعت و جهان‌های فراتر از آن باید به منزله‌ی عوالمی مرتبط از یک کل وحدت‌یافته نگاه کنیم.

اهمیت این دیدگاه در این است که:

اولاً موجب یک برخورد خلاق و معنادار با زندگی می‌شود. تأکید بر اینکه طبیعت با تمام پدیده‌هایش آکنده از تجلیات قدسی است، به مثابه‌ی منبعی برای خلاقیت، خضوع در برابر خالق آفرینش و زیبایی جهان هستی است.

ثانیاً باز بودن و تواضع در برابر عظمت هستی منبعی از همدلی و شفقت برای معلم در برابر دانش‌آموزان و دانش‌آموزان در برابر یکدیگر فراهم می‌کند.

ثالثاً این پیام را می‌دهد که حقیقت‌های برگرفته از دیسپلین‌ها هرگز تمام حقیقت نیست و برای رسیدن به استعلا‌ی روحانی و حقیقت

**رویکرد آموزش جغرافیا از محیط نزدیک شروع و به محیط‌های دورتر ادامه پیدا می‌کند.**

**این اصل در آموزش جغرافیا بر بهره‌گیری از رویکرد محیط‌های توسعه‌یابنده تأکید**

**دارد (آموزش درباره‌ی همسایگان،**

**محلّه، روستا، شهر، استان،**

**ناحیه، کشور، همسایگان**

**کشور، قاره و سرانجام**

**یک دید جهانی از**

**زمین و مردم**

**(آن**

**عاطفی، زیبایی‌شناختی، فیزیکی و روحانی او**

**نیز توجه شده است (مهرمحمدی به نقل از جی**

**پی میلر، ۱۳۷۹).**

اصل جامعیت اشاره به توجه برنامه‌ی درسی به نیازهای گوناگون دانش‌آموزان و جامعه در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی در کلیه‌ی ساحت‌های تعلیم و تربیت دارد.

این اصل اشاره می‌کند که دانش‌آموز و جامعه دو منبع مهم برای تدوین اهداف برنامه‌ی درسی هستند و وظیفه‌ی برنامه‌ی درسی آماده کردن افراد برای زندگی در جامعه است. هر برنامه‌ی درسی که فقط مبتنی بر دانش صرف باشد موجب می‌شود برنامه‌ی درسی در نظر یادگیرندگان بی‌فایده جلوه کند. از طرفی برنامه‌ای که اساساً مبتنی بر نیازها و علایق فراگیران باشد، موجب ایجاد شکافی عظیم در دانش مورد نیاز جهان امروز خواهد شد و پیشرفت علم را کند خواهد کرد. از طرفی برنامه‌ای که برای در نظر گرفتن نیازهای زمان حال جامعه طراحی شده است موجب تقویت وضعیت موجود فراگیران شده و فرصت‌های ایجاد دانش جدید و خلق اندیشه‌های نو را در آن‌ها متوقف می‌کند. راز کارآمدی یک برنامه‌ی درسی کارآمد در جغرافیا یا سایر موضوعات درسی را باید در بها دادن متناسب آن به نیازهای فرد، جامعه و دانش دانست.

تأکید دیگر این اصل، توجه به نیازهای فرد و جامعه در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی است. با توجه به این اصل، رویکرد آموزش جغرافیا از محیط نزدیک شروع و به محیط‌های دورتر ادامه پیدا می‌کند.

**این اصل در آموزش جغرافیا بر بهره‌گیری از رویکرد محیط‌های توسعه‌یابنده تأکید دارد (آموزش درباره‌ی همسایگان، محلّه، روستا، شهر، استان، ناحیه، کشور، همسایگان کشور، قاره و سرانجام یک دید جهانی از زمین و مردم آن).**

**اصل یادگیری مادام‌العمر** بر این نکته توجه دارد که با توجه به انفجار علوم و منابع اطلاعاتی و کوتاه شدن عمر مفید اطلاعات، بهتر است به جای انتقال اطلاعات، روش‌های یادگیری و تحقیق کردن را به دانش‌آموزان یاد دهیم. هدف کانونی مدرسه و طرح‌ریزی برنامه‌های درسی باید تربیت فراگیرنده‌ی خودراهبر باشد. یک اصل مشخص در دنیای غیرمشخص آینده این است که انسان پیوسته با تحولات علمی و تغییرات اجتماعی، اقتصادی و مواجه خواهد بود که احتمالاً طبیعی غیرقابل پیش‌بینی را به دنبال خواهد داشت. بقای انسان به این بستگی

دارد که بتواند در صورت امکان در این تغییرات اثر بگذارد و خود را با تحولات دائمی سازگار کند. در چنین شرایطی یادگیری به صورت اساس بقا درمی آید و تعلیم و تربیت هر چه بیشتر به صورت یک نیاز ضروری برای هر فرد می شود. افراد به این نیاز دارند که به طور روزافزون مسئولیت تعلیم و تربیت خویش را بر عهده گیرند و انسان به فردی تبدیل شود که خود را تعلیم دهد و تعلیم و تربیت به وسیله دیگران به تعلیم و تربیت به وسیله خود تبدیل شود. این تغییر بنیادی در ارتباط فرد با خویش، مشکل ترین مسئله ای است که تعلیم و تربیت در دهه های انقلاب علمی و تکنولوژیکی با آن روبه روست. یادگیری جغرافیا نیز از این قاعده مستثنا نیست و برنامه ریزان درسی در طرح ریزی برنامه درسی جغرافیا باید به این مهم توجه کنند (خوینی نژاد به نقل از جی گالن سیلور و ویلیام الکساندر، صص ۶۲ تا ۶۳).

این سه اصل دین محوری، جامعیت و یادگیری مادام العمر بر تلفیق پنج گانه برنامه درسی کل گرایانه (ماورای انسانی)، برنامه درسی مبتنی بر نیاز فرد، برنامه درسی مبتنی بر نیاز جامعه، برنامه درسی مبتنی بر رشته علمی و برنامه درسی فراگیرنده خود را هر در طرح ریزی برنامه درسی جغرافیا تأکید دارد.

سه اصل «تقویت هویت ملی»، «توجه به تفاوت های فردی (استعداد، جنسیت، محیط)» و «یکپارچگی و فراگیری» بر رعایت معیارها در انتخاب محتوا تأکید دارند. اصل تقویت هویت ملی به تقویت باورها و ارزش های اسلامی، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، تقویت زبان فارسی، توجه به ارزش های انقلاب اسلامی، میهن دوستی، وحدت و انسجام فرهنگی، استقلال ملی و هم بستگی اسلامی توجه دارد. اصل توجه به تفاوت ها ضمن تأکید بر رعایت نیازهای مشترک دانش آموزان به تفاوت های ناشی از محیط زندگی (شهری، روستایی، عشایری، فرهنگی و جغرافیایی)، جنسیتی و فردی دانش آموزان (استعدادها، توانایی ها، نیازها و علایق) در انتخاب محتوا توجه دارد. در اصل یکپارچگی و فراگیری ضمن تأکید بر داشتن برنامه مشترک برای کلیه دانش آموزان (به ویژه در اهداف و مفاهیم برنامه درسی) به رعایت انعطاف در انتخاب محتوا با توجه به نیاز دانش آموزان عادی، دانش آموزان با نیازهای خاص و استعدادها در خشان اشاره می کند.

اصل اعتبار «نقش یادگیرنده» به راهبردهای یاددهی و یادگیری و نقش فعال فراگیر و آگاهانه دانش آموز در جریان یادگیری و اصل «اعتبار نقش مرجعیت معلم» به صلاحیت های حرفه ای معلم در فعال سازی دانش آموز و غنی سازی محیط یادگیری توجه دارد. ما در مقالات بعدی به بحث در مورد این اصول خواهیم پرداخت.

## ب) رویکرد برنامه درسی فطرت گرایی توحیدی و طرح برنامه درسی

به موجب سند برنامه درسی ملی، رویکرد کلان حاکم بر برنامه های درسی، رویکرد «فطرت گرایی توحیدی» است. اتخاذ این رویکرد به معنای زمینه سازی لازم برای شکوفایی فطرت الهی دانش آموزان از طریق درک و اصلاح مداوم موقعیت آنان به منظور دستیابی به مراتبی از حیات طیبه است. فطرت اشاره به سرشت الهی در وجود آدمی است.

گرایش های فطری و الهی انسان به خداپرستی، حقیقت جویی، احترام به موجودات، کنجکاوی و کشف اسرار خلقت، علم جویی، زندگی در کنار جمع و بهره گیری از مزایای آن، عدالت خواهی، نوع دوستی، قاعده مندی در رفتار، کشف کردن اسرار آفرینش، تلاش در رفع نیازهای فردی، خانوادگی و جمعی، شناخت محیط زندگی و پدیده های موجود در محیط، درک علت رخدادها و فرایندهای حیاتی، عقلانی و منطقی اندیشیدن، زیبایی گرایی، توجه به یکپارچگی جهان آفرینش، مفید بودن برای خود و دیگران، غلبه بر طبیعت و بهره گیری از آن برای تداوم زندگی، علاقه به حفظ سلامت فردی و اجتماعی و ... تأکید دارد.

این گرایش ها در حقیقت نوعی توجه فطرت بر علم و یادگیری موضوعات علمی، توجه به امور و مناسبات اجتماعی، عقل گرایی، تلاش در تأمین نیازهای فردی و اجتماعی، اخلاق گرایی، انسانیت گرایی و خداگرایی (گرایش های ماورایی) است. نظریه فطرت گرایی اگر چه نوعی نظریه جدید و ابداعی به نظر می رسد، اما در حقیقت تلفیقی از نظریات مختلف برنامه درسی (فرا دیدگاه) اما با عنوانی جدید است. فطرت گرایی تأکید بر بهره گیری از همه نظریاتی دارد که می تواند به رشد ابعاد وجودی انسان در زمینه های مختلف و تحقق اهداف ساحت های تربیت و شایستگی های پایه کمک کند.

## ج) شایستگی های پایه و طرح برنامه درسی

شایستگی های پایه اشاره به اهداف کلی برنامه درسی ملی با توجه به پنج عنصر تربیتی تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق دارد. تحلیل اهداف شایستگی های پایه حاکی از توجه سیاست گذاران برنامه درسی به تلفیق پنج طرح برنامه درسی (یا نظریه برنامه درسی) شناخت گرایی، ماورای فردی (معنویت گرایی) و اخلاق گرایی به عنوان محوری ترین اهداف طرح ریزی برنامه درسی اما از طریق موضوعات رشته ای (حوزه های تربیتی و یادگیری)، مهارت های عملی مربوط به این حوزه ها و ارزش های اخلاقی مربوط به هر یک از این حوزه های تربیتی و یادگیری است.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (مصوبه آذرماه ۱۳۹۰) شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش.
۳. «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (مصوبه اسفندماه ۱۳۹۱)». شورای عالی آموزش و پرورش.
۴. جسی بی میلر (۱۳۷۹). نظریه های برنامه درسی. ترجمه دکتر محمود محمدی. انتشارات سمت.
۵. سیلور جی گالن و دیگران (۱۳۷۲). برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر. ترجمه دکتر غلامرضا خوینی نژاد. مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۶. اهداف دوره های تحصیلی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. (مصوب نهضت و پنجاه و دومین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش. مورخ ۹۷/۲/۱).
۷. معافی، محمود (۱۳۹۸). «فلسفه آموزش جغرافیا از منظر عقل، دین و اسناد بالادستی آموزش و پرورش».